

علی اکبر فرزند حسین به علی

عطش و آب

اعتبار سند: اولویت ۱

تطبیق محتوا با سند: اولویت ۱

اللهوف علی قتلی الطفوف / ترجمه فهری / النص / ۱۱۳ / المسلك الثانى فى وصف حال القتال و ما يقرب من تلك الحال

فَلَمَّا لَمْ يَبْقَ مَعَهُ سِوَى أَهْلِ بَيْتِهِ خَرَجَ عَلَيَّ بَنُ الْحُسَيْنِ ع وَكَانَ مِنْ أَصْبَحِ النَّاسِ وَجْهًا وَ أَحْسَنِهِمْ خُلُقًا فَاسْتَأْذَنَ أَبَاهُ فِي الْقِتَالِ فَأَذِنَ لَهُ ثُمَّ نَظَرَ إِلَيْهِ نَظْرَ آيِسٍ مِنْهُ وَ أَرْخَى عَ عَيْنَهُ وَ بَكَى ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ أَشْهَدُ فَقَدْ بَرَزَ إِلَيْهِمْ غُلَامٌ أَشْبَهَ النَّاسَ خُلُقًا وَ خُلُقًا وَ مَنْطِقًا بِرَسُولِكَ ص وَ كُنَّا إِذَا اشْتَقْنَا إِلَى نَبِيِّكَ نَظَرْنَا إِلَيْهِ فَصَاحَ وَ قَالَ يَا ابْنَ سَعْدٍ قَطَعَ اللَّهُ رَحِمَكَ كَمَا قَطَعْتَ رَحِمِي فَتَقَدَّمَ نَحْوَ الْقَوْمِ فَقَاتَلَ شَدِيدًا وَ قَتَلَ جَمْعًا كَثِيرًا ثُمَّ رَجَعَ إِلَى أَبِيهِ وَ قَالَ يَا أَبَتِ الْعَطَشُ قَدْ قَتَلَنِي وَ ثَقُلَ الْحَدِيدُ قَدْ أَجْهَدَنِي فَهَلْ إِلَى شَرِبَةٍ مِنَ الْمَاءِ سَبِيلٌ فَبَكَى الْحُسَيْنُ ع وَ قَالَ وََا غَوَاةَ يَا بَنِي قَاتِلِ قَلِيلًا فَمَا أَسْرَعَ مَا تَلْقَى جَدَّكَ مُحَمَّدًا ص فَيَسْقِيكَ بِكَأْسِهِ الْأَوْفَى شَرِبَةً لَا تَظْلُمُ بَعْدَهَا أَبَدًا فَرَجَعَ إِلَى مَوْقِفِ النَّزَالِ وَ قَاتَلَ أَعْظَمَ الْقِتَالِ فَرَمَاهُ مُنْقَذُ بْنُ مُرَّةَ الْعَبْدِيُّ لَعَنَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِسَهْمِ فَصْرَعَهُ فَنَادَى يَا أَبَتَاهُ عَلَيْكَ السَّلَامُ هَذَا جَدِّي يُقْرِؤُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ عَجَلِ الْقُدُومَ عَلَيْنَا ثُمَّ شَهَقَ شَهَقَةً فَمَاتَ فَجَاءَ الْحُسَيْنُ ع حَتَّى وَقَفَ عَلَيْهِ وَ وَضَعَ خَدَّهُ عَلَى خَدِّهِ وَ قَالَ قَتَلَ اللَّهُ قَوْمًا قَتَلُوكَ مَا أَجْرَاهُمْ عَلَى اللَّهِ وَ عَلَى انْتِهَاكِ حُرْمَةِ الرَّسُولِ عَلَى الدُّنْيَا بَعْدَكَ الْعَفَاءُ.

قَالَ الرَّأَوِيُّ:

وَ خَرَجَتْ زَيْنَبُ بِنْتُ عَلِيٍّ ع تُنَادِي يَا حَبِيبَاهُ يَا ابْنَ أَخَاهُ وَ جَاءَتْ فَكَابَتْ عَلَيْهِ فَجَاءَ الْحُسَيْنُ ع فَأَخَذَهَا وَ رَدَّهَا إِلَى النَّسَاءِ ثُمَّ جَعَلَ أَهْلُ بَيْتِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَيْهِمْ يَخْرُجُ الرَّجُلُ مِنْهُمْ بَعْدَ الرَّجُلِ حَتَّى قَتَلَ الْقَوْمُ مِنْهُمْ جَمَاعَةً فَصَاحَ الْحُسَيْنُ ع فِي تِلْكَ الْحَالِ صَبْرًا يَا بَنِي عُمُومَتِي صَبْرًا يَا أَهْلَ بَيْتِي فَوَ اللَّهُ لَا رَأَيْتُمْ هَوَانًا بَعْدَ هَذَا الْيَوْمِ أَبَدًا.

قَالَ الرَّأَوِيُّ:

جانبازی و شهادت علی اکبر علیه السلام

یاران امام حسین علیه السلام همه به شهادت رسیدند و جز خاندانش کسی باقی نماند، در این هنگام علی اکبر علیه السلام برای رفتن به میدان آماده شد، او دارای زیباترین چهره، و نیکوترین سیرت بود، از پدرش اجازه رفتن به میدان طلبید، امام علیه السلام به او اجازه داد، سپس نگاهی مأیوسانه به قد و قامت علی اکبر علیه السلام نمود، و چشمانش را به زیر افکند و گریه کرد آنگاه گفت:

گزارش مدرک یابی کتاب های کتابخانه دبستان فضیلت

اللّهُمَّ اشهد فقد برز اليهم غلام اشبه النَّاس خلقا و خلقا و منطقا برسولك صلى الله عليه و آله و سلم و كنّا اذا اشتقنا الى نبّيك، نظرنا اليه،

خدایا گواه باش، جوانی که در صورت و سیرت، ظاهر و باطن و گفتار شبیه ترین مردم به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود، و هر گاه مشتاق دیدار پیامبرت می شدیم به این جوان نگاه می کردیم، برای جنگیدن با این مردم رهسپار شد. امام حسین علیه السلام صدا زد: «ای پسر سعد، خدا ریشه رحم تو را قطع کند، همان گونه تو رحم مرا قطع می کنی.» علی اکبر علیه السلام به دشمنان حمله کرد و جنگ سختی با آنها نمود، گروه بسیاری از آنها را به خاک هلاکت افکند، سپس نزد پدر بازگشت و صدا زد: یا اَبْت! العطش قد قتلنی، و ثقل الحديد قد اجهدنی، فهل الى شربة ماء من سبيل؟، ای بابا! شدت تشنگی جانم را به لب رسانده، و سنگینی اسلحه، مرا به زحمت انداخته، آیا جرعه آبی هست که به دستم رسد؟ امام حسین علیه السلام گریه کرد و فرمود:

وا غوثاه! یا بنی من این آتی بالماء

...، آه از بی پناهی! ای پسر جانم از کجا آب بیاورم، برو اندکی با دشمنان جنگ کن، چقدر نزدیک است که با جدّت محمد صلی الله علیه و آله و سلم دیدار کنی، او با کاسه ای پر از آب، تو را سیراب خواهد کرد، که پس از آن هرگز تشنگی وجود ندارد.

علی اکبر علیه السلام به میدان بازگشت و جنگ بسیار شدید و نمایانی نمود، سرانجام متغذ بن مرّه عبدی آن حضرت را هدف تیر قرار داد، همین تیر موجب افتادن علی اکبر علیه السلام بر زمین شد صدا زد: یا ابتاه! علیک منی السلام، هذا جدی یقرؤک السلام و یقول لک: عجل القدوم علینا، ای بابا! آخرین سلامم بر تو باد، اینک این جدم است که سلام به تو می رساند و به تو می فرماید: زودتر به سوی ما بیا.

«ثم شَهِقَ شَهْقَةً فَمَاتَ، سپس صیحه ای بلند زد و جان سپرد» امام حسین علیه السلام به بالین علی اکبر علیه السلام آمد (دید از دنیا رفته است) به بالین او نشست و خم شد، «و وضع خده علی خده

، و گونه خود را بر گونه علی اکبر نهاد.» آنگاه فرمود:

قتل الله قوما قتلوك، ما اجراهم علی الله، و علی انتهاك حرمة رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم علی الدنیا بعدك العفا خدا بکشد آن مردمی که تو را کشتند، چقدر آنها بر خدا و هتک حرمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، گستاخی نمودند، بعد از تو خاک بر سر دنیا.

[شربتبی از لب لعلش نجشیدیم و برفت روی مه پیکر او سیر ندیدیم و برفت

گزارش مدرک یابی کتاب های کتابخانه دبستان فضیلت

گویی از صحبت ما نیک به تنگ آمده بود بار بست و به گردش نرسیدیم و برفت
صورت او به لطافت اثر صنع خدا است ما به رویش نظری سیر ندیدیم و برفت

حضرت زینب علیه السلام از خیمه بیرون آمد و صدا می زد: «یا حبیباه! یا ابن اخاه، ای محبوب دلم، ای برادرزاده ام» با این وضع به بالین علی اکبر علیه السلام آمد و خود را روی پیکر (به خون غلتیده) او افکند. در این هنگام امام حسین علیه السلام نزد خواهر آمد و او را به خیمه زنها برگردانید.

وقعة الطف ۲۴۱ [علی بن الحسین الاکبر]

و کان أول قتیل من بنی أبی طالب یومئذ: علی الاکبر بن الحسین بن علی [علیه السلام].

و امّه لیلی ابنه أبی مرّة بن عروّة بن مسعود الثقفی.

اخذ یشدّ علی الناس و هو یقول:

أنا علی بن حسین بن علی
تالله لا یحکم فینا ابن الدّعی
نحن و ربّ البیت اولى بالنّبی

ففعل ذلک مرارا، فبصر به مرّة بن منقذ بن النعمان العبدی فقال: علی آثم العرب إن مرّ بی بفعل مثل ما کان یفعل ان لم اثکله أباه! فمرّ یشدّ علی الناس بسیفه، فاعتراضاه مرّة بن منقذ، فطعنه، فصرع، و احتواه الناس فقطّعه بأسیافهم و [فجاءه] الحسین [علیه السلام] یقول: قتل الله قوما قتلوک یا بنی! ما أجرأهم علی الرّحمن، و علی انتهاک حرمة الرسول! علی الدّنیا بعدک العفاء!

و خرجت امرأة مسرعة تنادی: یا اخیاه! و یا ابن اخیاه! فجاءت حتی کبتّ علیه! فجاءها الحسین [علیه السلام] فأخذ بیدها فردّها الی الفسطاط، و أقبل [علی] فتیاناه فقال: احمّلوا أخاکم، فحملوه من مصرعه حتی وضعوه بین یدی الفسطاط الذی کانوا یقاتلون أمامه

گزارش مدرک یابی کتاب های کتابخانه دبستان فضیلت

شهادت علی بن حسین علیه السلام [علی اکبر]

(۱) اولین کسی که از میان فرزندان اُبی طالب آن روز کشته شد، علی اکبر فرزند حسین بن علی [علیه السلام] بود. مادرش لیلی دختر اُبی مرّه بن عروه بن مسعود ثقفی بود. [علی اکبر] حمله به [سپاه دشمن] را آغاز کرد و در آن حال [با شعر] می گفت:

من علی بن حسین بن علی هستم، به پروردگار خانه کعبه قسم، که ما به [جانشینی] پیامبر از دیگران سزاوارتریم، بخدا قسم، آن زنارزاده نخواهد توانست بر ما حکومت کند.

پس از آنکه چندین بار به دشمن حمله برد و این اشعار را تکرار کرد، مرّه بن منقذ بن نعمان عبدی وی را دید، گفت: [همه] گناهان عرب به پای من، اگر [این بار این نوجوان از کنارم بگذرد و همان عمل گذشته را تکرار کند و پدرش را به عزایش نشانم!] [بنابراین این بار که علی اکبر از میدان] می گذشت و با شمشیرش به مردم حمله می برد مرّه بن منقذ با وی درگیر شد و با نیزه او را زد، علی اکبر به زمین افتاد مردم دورش را گرفته با شمشیرهایشان او را قطعه قطعه کردند.

حسین [علیه السلام] بالای سرش آمد، در حالی که می فرمود: خدا بکشد ملتّی را که تو را کشت، ای پسر! چه چیزی آنها را به جسارت در برابر خدای رحمان و هتک حرمت رسول [الله] صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم واداشته! بعد از تو خاک بر سر دنیا و زندگی دنیا. [در همین حال] زنی با شتاب [به میدان] آمده در حالی که فریاد می کشید: آی برادر! آی برادرزاده! خود را روی [بدن علی اکبر] انداخت! حسین [علیه السلام] نزدش آمده، دستش را گرفته به خیمه بازگرداند، و نزد جوانانش آمد، فرمود: برادران را حمل کنید، آنها علی اکبر را از جایی که بر زمین افتاده بود برداشتند و پیشاپیش خیمه ای که جلوی می جنگیدند قرار دادند.